

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سر تیب دکتر امین محمد حطیط، استاد دانشگاه و متخصص ستراتژیک نظامی، لبنان

برگردان و زیر نویس: احمد مزارعی

۲۵ اپریل ۲۰۱۳

امریکای مایوس... و تهدیدات سترون

«اوباما» فکر نمی کرد، برنامه ای که خود بسیار مستحکم آن را تنظیم نموده و همانطوری که در قبل گفتیم، انواع اسلحه های مدرن و سنگین نیز برایش فراهم آورده و از دیگر سو، همه امکانات کشورهای همسایه را نیز برایش به خدمت گرفته، آری حتی برای یک لحظه هم «اوباما» فکر نمی کرد که در سه هفته اول، اینچنین دراماتیک با شکست روبه رو شود. ارتش سوریه آنچنان ماهرانه با این برنامه «اوباما» روبه رو شد که کسی فکرش را نمی کرد. «اوباما» که بدون شک همیشه معیارهای چنگانه ای برای پیشبرد منافع امریکا در چنته خود دارد و همیشه چیزی را که می گوید، در لحظاتی درست به عکس آن عمل می کند، کوشید با این برنامه اخیر خود در سوریه، که نام آن را نیز «سقوط حتمی دمشق» گذاشتند، شاید بتواند جهانیان را در برابر عمل انجام شده قرار داده، پیروزی امریکا را بر «محور مقاومت و ممانعت» اعلام و بدینسان شکستهای بیست ساله امریکا را در منطقه جبران کند. شکستهایی که در عراق بر امریکا وارد شد، همچنین سیاستهای رسوای امریکا در مورد سوریه، تحت عنوان دروغین «انقلاب مسالمت آمیز» و استفاده آشکار از تروریسم و شیوه های انفجار و قتل بیگناهان در شهرهای سوریه، آری همه این خواب و خیالهای امریکا به توسط ارتش ملی و قدرتمند سوریه نقش بر آب گردید.

اما سوریه که از ابتدای شروع جنگ تجاوزکارانه، زمام امور را در دست خود داشت، بدون این که نره ای دچار تردید شده و در اعتماد به نفس و امید به پیروزی خود شک و تردیدی داشته باشد، به فوریت و پس از آگاه شدن از برنامه ستراتژیک «اوباما» مبنی بر تجاوز به دمشق، ضد ستراتژیک آن را، آنچنان تنظیم نمود که بتواند با وارد آوردن شکست دیگری بر «رأس دشمن»، نشان دهد که سوریه قلعه ای فتح نشدنی است. ستراتژیک دفاعی سوریه بر سه پایه استوار بود که به طور تکاملی و تدریجی آنچنان عمل می کرد که هدف تعیین شده، پیش برده شود و پیروزی قطعی حاصل گردد. بر اساس طبیعت برنامه تجاوزکارانه امریکا که به طرح «اوباما» برای دمشق معروف شده بود، «ضد ستراتژیک» ارتش سوریه بر پایه های زیر استوار بود:

* وارد آوردن ضربات خرد کننده به مراکز تجمع دشمنان در اطراف شهرهای بزرگ، پیش از شروع حمله آنها، تحت نام «هجوم صاعقه تعیین کننده».

* در کنترل گرفتن «سرپلهای» ستراتژیک که نقاط عملیات انتقال نیرو و حمل و نقل جنگ افزار و یا مراکز تعویض نیروهای دشمن که در خلال آن می توانستند برای هجوم آماده شوند.

* عملیات هجومی در جهت تصفیه و پاکسازی مناطق خطر ، به طوری که امکان داده نشود تا در آینده نیروهای دشمن بتوانند مجدداً تجمع کرده و به ضد اهداف بزرگ و مهم ستراتژیک ، حمله خود را سازماندهی کنند.

در هنگام اعمال برنامه های تنظیم شده ، فرماندهی ارتش ملی سوریه ، منطقی را که از ابتدای جنگ در پیش گرفته بود یعنی منطق جنگ سخت و نفسگیر و دراز مدت و منع نمودن این برنامه دشمن از این که ، ارتش سوریه دچار بحران و بنیه نظامی آن دچار تشتت و پراکندگی شود ، به درستی پیش برد . این منطق مستلزم دارا بودن یک اقتصاد قدرتمند بود و از طرفی طبقه بندی اولویتها برای اقدام و همچنین اقدام نمودن از موضع آگاهی و تسلط بر امور ، بدون افتادن در دام موضعگیری عکس العملی ، دوری گزیدن از عملی که دشمن طرح آن را آنچنان ریخته تا ارتش سوریه را در دام پرتگاه سوق دهد.

نیروهای دفاعی عربی سوریه و در رأس آن ، ارتش عربی سوریه ، به واسطه قدرت ، همبستگی و هبیتی که دارد ، به ویژه این که تشکیلات تازه ای نیز تحت نام «ارتش دفاع ملی» به آن پیوسته و همراه و در کنار آن به نبرد ادامه می دهد اساس کارش اینچنین است که «بهترین دفاع هجوم است» ، آری این ارتش و با این عقیده در کمتر از یکماه ، ضربات دردناک و خردکننده ای بر گروه های تروریستی ، که «اوباما» روی آنان برای برنامه اش ، حساب باز کرده بود ، وارد آورد . نتایج صاعقه وار ضربات ارتش ملی سوریه وضعیتی را به شکل زیر برای گروه های تروریست «اوبامائی» ، رقم زد:

* گروه های تجاوزکار و تروریست ، مواضع خود را در اطراف دمشق از دست دادند ، به طوری که فرصت تهاجم «صاعقه ای» خود را دیگر ندارند و از این پس بحث جنگ دمشق و لحظات تعیین کننده به نوعی خیال و توهم تبدیل شده است و حتی از آن در حد یک جنگ تبلیغاتی روانی نیز نمی توان بهره برد. عملیات ترور افراد در خیابانهای سوریه ، انفجار و تخریب در اینجا و آنجا ، نمی تواند هیچ تغییری در وضعیت فعلی ایجاد کند.

* گروه های تجاوز کار و مسلح ، مواضع ستراتژیک متعددی را در مرزهای لبنان از دست دادند ، به ویژه در مناطق میانی و این باعث شده تا از این پس از طریق لبنان تروریستها نتوانند کمکهای متعدد نظامی ، لجستیک و غیره به مزدوران داخلی سوریه برسانند. با این وضع تروریستها مواضع مهمی نیز در اطراف شهر حمص و روستای اطرافش را نیز از دست دادند.

* تجاوزکاران تروریست در وضعیت فعلی ، فرصت اعمال قدرت خود را بر جاده بین المللی حلب به داخل سوریه از دست داده اند ، ارتش سوریه در حال حاضر می کوشد برنامه فرماندهی سیاسی را در جهت پاکسازی و تصفیه روستاهای ادلب را که چند روز است، آغاز کرده به پایان برساند. ارتش موفق شده بر انبوه عظیمی از نیروهای مسلح دشمن در شمال ، که بر روی کمکهای کشور ترکیه امید بسته بود ، تسلط پیدا کند . حالت ارتش در حال حاضر در این منطقه ، وضعیت محاصره و دفاع دارد و تا حد زیادی مانع تأثیر ترکیه در جهت تحکیم بخشی تروریستهاست.

وضعیت فوق ، امریکا را وحشت زده کرده و شکست روی دستش مانده است. امریکا امیدوار بود که نیرو و امکانات زیادی که در اختیار تروریستها قرار داده ، بتواند آنچنان پیروزی به دست آورد که بتوان با آن در مذاکرات با همتای روسی خود که در ماه جون قرارست برگزار شود ، به عنوان برگ برنده ای معامله کند ، اما اکنون «اوباما» در حالی برای مذاکره می رود که آن حداقلی را نیز که در دست داشت ، از دست داده است و چیزی در دست ندارد که بتوان با آن بر سوریه و هم پیمانان آن ایران و روسیه ، فشار وارد کرد و امتیاز گرفت.

اکنون و با اینهمه شکست ، امریکا آن ماسک سیاسی سابق را بر زمین افکند و آشکارا اعلام داشته است که ۲۰۰ سرباز(۱) آنها برای کمک به بنیه دفاعی اردن در برابر سوریه ، به این کشور خواهد آورد، از نوع همان دستاویزی که برای بنیه دفاعی ترکیه مطرح کردند و موشکهای «پاتریوت» را در ترکیه نصب کردند . همچنین امریکا اعلام

نموده که تروریست‌ها را با افزارهای جنگی «غیرکشنده» مجهز خواهد کرد که کمترین چیز در اینمورد اینست که این می تواند ساده لوحان و احمق‌ها را بفریبید.

موضوعی که باید روشن شود، این که جنگ علیه سوریه از ابتدای خود در زیر فرماندهی امریکائیان تنظیم شده و پیش رفته و هر آنچه که در جنگ به کار رفته، همه به دستور امریکائیان و اجازه رسمی آنها بوده است. مهم نیست که چه کسی و به دستور کدام فرمانده و گروه به کار رفته، اساس همه آنها تصمیم امریکائیان بوده است. از دو سال پیش آنچه که امکان استفاده داشته، از اسلحه های کلاسیک و غیر کلاسیک و در ظاهر آن فرقی نمی کند، امریکا آنها را آموزش داده و آماده ارسال به میدانهای جنگ و تخریب علیه سوریه نموده است و **اخیراً مبلغ ۱۳۰ میلیون دلار دیگر نیز به توسط امریکا برای کمک به عملیات تروریسم در سوریه، اختصاص داده شده است. موضوع اصلی که برای ما اهمیت دارد، اینست که دستاوردهای نظامی سوریه، امریکا را آنچنان به وحشت انداخته که مجبور شده است مستقیماً و با ارسال سرباز امریکائی به اردن، با نیروهای سوریه وارد کارزار شود.**

اقدام امریکا در جهت ارسال مستقیم نیرو برای تقویت تروریسم علیه سوریه، به این اعتبار که حامی اصلی تروریست‌هاست، در طبیعت درگیری جنگ سوریه هیچ تغییری ایجاد نخواهد کرد. این تنها یک تهدید و وحشت آفرینی بیهوده است که از سر یأس کامل اتخاذ شده و امریکا از این اقدام مأیوسانه خود به جز شکست در جنگ با فرماندهی و رهبری ارتش و دولت سوریه، چیزی نصیب نخواهد شد. رهبری سیاسی و نظامی تصمیم پیروزی به هر قیمتی دارند، زیرا عدم پیروزی به معنی پایان سوریه خواهد بود، اما سوریه ای که ریشه در عمق تاریخ دارد، بنا به گفته رئیس جمهور بشار اسد، شکست نخواهد خورد.

روند عمومی نتایج جنگ کاملاً مشخص شده و آن به طور حتم شکست جبهه تجاوزکاران به سوریه است. تنها می ماند که سوریه را از وجود مزدوران، متجاوزان و تروریست‌ها پاکسازی کنند.

زیرنویس از مترجم:

(۱) - حزب کمونیست اردن که از پشتیبانی توده های زحمتکش اردنی و به ویژه فلسطینی برخوردار است، به همراهی با حزب بعث اردن، اطلاعیه شدید اللحنی را علیه سیاست تجاوزکارانه امریکا و سازشکاری دولت اردن، انتشار داده و تهدید کرده اند که ورود سربازان امریکائی به خاک اردن عواقب شومی برای امنیت کشور دارد و در پایان از همکاری دولت اردن با امپریالیسم امریکا شدیداً انتقاد و خواستار تجدید نظر در آن شده اند.

همه احزاب کمونیست عرب، به جز حزب کمونیست عراق، متحداً در دفاع از سوریه به پا خاسته و تجاوز به سوریه را جنگی تجاوزکارانه و امپریالیستی ارزیابی نموده اند که هدف آن به زیر سلطه کشاندن ملت‌های خاورمیانه می باشد. دفاع یک پارچه کمونیست‌های عربی باعث افشای سیاست‌های استعماری و امپریالیستی امریکا و اروپا در منطقه شده و در عین حال باعث آگاهی توده های عرب و ایجاد جبهه تازه ای از زحمتکشان در این کشورها به ضد امریکا، ارتجاع عرب و به نفع مقاومت سرسختانه دولت و ملت سوریه گردیده است. اکنون کاملاً آشکار است که جنگ شومی که علیه سوریه به راه افتاده، هدفش استعمار مجدد این کشور و تبدیل آن به پایگاه امپریالیسم و ارتجاع است.

قابل توجه این که چند روز پیش، «رغد صدام حسین»، دختر «صدام حسین» طی مصاحبه ای با مجله «ال پاپس» اسپانیا، جنگ علیه سوریه را امپریالیستی و مشابه تهاجم تجاوزکارانه به عراق دانسته و ارتجاع عرب به ویژه سایت الجزیره را نیز همدست امپریالیسم امریکا به حساب آورده است.

About these ads

تایپ و ویرایش اولی: آمانور - اشتراک